**١٠٨ - استقامت**

و نیز از حضرت بهاءاللّه است قوله الاعلی : اوّل الامر هو عرفان اللّه و آخره الاستقامة علیه کذلک قدّر من لدن قویٍّ قدیر .

 و قوله الاعزّ : رأس القدرة و الشّجاعة هی اعلاء کلمة اللّه و الاستقامة علی حبّه .

 و در کتاب اقدس قوله جلّ و عزّ : کونوا مظاهر الاستقامة بین البریّة علی شأنٍ لا تمنعکم شبهات الّذین کفروا باللّه اذ ظهر بسلطانٍ عظیم .

 و قوله الاسنی : اثمار سدرۀ انسان توکّل و استقامت است تمسّک بهما امراً من لدی اللّه الآمر الحکیم هر یک از احبّای الهی باید بمثابۀ جبل ثابت و راسخ باشد و معرضین و منکرین را معدوم شمرد

 و قوله الابهی : اکلیل اعمال استقامت است بآن متمسّک شوید و اعظم از کلّ مقامات است به آن ناظر باشید او است از عطیّۀ کبری که صاحب خود را از اشارات ملحدین و وساوس شیاطین و نعاق ناعقین حفظ فرماید او است درعی که به ایادی قدرت صانع حقیقی بافته شده .

و قوله الاعظم : هر نفسی الیوم بر این امر اقدس ارفع امنع مستقیم شود مقابل است با کلّ من فی السّموات و الارض و کان اللّه علی ذلک لشهید و علیم .

 و در لوح طب قوله الاجلّ : بگو الیوم دو امر محبوب و مطلوب است یکی حکمت و بیان و ثانی الاستقامة علی امر ربّکم الرّحمن هر نفسی باین دو امر فائز شد عند اللّه از اهل مدینۀ بقا محسوب و مذکور چه که باین دو امر امر الهی ما بین عباد ثابت شده و خواهد شد چه که اگر حکمت و بیان نباشد کلّ مبتلا خواهند شد درین صورت نفسی باقی نه تا ناس را بشریعۀ احدیه هدایت نماید و اگر استقامت نباشد نَفَس ذاکر مؤثر نخواهد بود .

 و قوله الاجمل : براستی میگویم آنچه الیوم اعظم و اسبق کلّ اعمال است استقامت بر امر بوده مع آنکه این امر محکم در اکثری از الواح نازل و ثابت به مجرّد ارتفاع نعیقی ناس مضطرب مشاهده شدند باید دوستان حق بانوار اطمینان از افق ایقان ظاهر و مشرق گردند جمیع را بر استقامت کبری دعوت نمایند ایام توقف مالک اسماء در زوراء و ارض سرّ و سجن اعظم جمیع عباد را به نعاق ناعقین و ندای متوهّمین اخبار نمودیم معذلک مشاهده شد که بعضی بندای لا یسمن و لا یغنی از بحر معانی محروم ماندند قل یا احبّائی خذوا زمام الامر ثم احفظوه باسم ربکم العلیم الحکیم .

و در لوحی دیگر است قوله الامنع : آن جناب باید در کلّ احیان به کمال جدّ و جهد ساعی باشند که شاید اشجار نفوس از هر ریحی متحرّک نشوند و به هر خاری نلغزند چنانچه درین ایام نفس مجهولی در یکی از مدن اللّه بدعوی برخاست و بعضی از غافلین اقبال نمودند الی اَنْ عرفوا و رجعوا الی اللّه و کانوا من التّائبین .

 و از حضرت عبدالبهاء است قوله العزیز : انسان باید مانند کوه آهنین رزین و رصین باشد و مقاومت هر مشکلات نماید و تا چنین نگردد کار به انجام نمیرسد .

 و قوله الجلیل : زیرا استقامت شرط است و در قرآن میفرماید انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا تتنزّل علیهم الملائکة در امری استقامت کند مغناطیس توفیق و تائید شود .

 و در یکی از آثار است : میرزا محمد حسین طبیب ... وقتی که جمیع اهل عراق بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و در منابر و اسواق به ضرب و شتم احبّای الهی مشغول بودند بعضی احباب را با جناب طبیب مذکور به مقرّ حکومت بردند در آن اثناء مترجم یکی از دول مکالمه نمود ... مترجم گفت تو چکارۀ که با من بالواسطه این قسم تکلم مینمائی جناب طبیب ذکر نمودند تو چکاره ای او مذکور نمود من مترجم دولتم جناب طبیب مذکور نمود من هم مترجم ملّتم باری در آن مجلس که منبع مخالفین از اعزّۀ مملکت حاضر بودند و همچنین حکّام مجتمع معذلک ایشان به کمال استقامت و قوّت و قدرت تکلّم نمودند و هرگز این فقره از لوح عالم محو نخواهد شد چه که لأجل ارتفاع کلمة الله تکلّم نموده و سطوت دولت و ضوضاء ملّت او را از محبّة اللّه منع ننموده و بعد البته شنیده‌اند چگونه ایشان و احباب را از عراق اسیر کردند و به موصل فرستادند حال لحاظ الهی باین عمل او که فوق اعمال است ناظر است .